

پنجاه و پنج

آموزش ابتدایی

دوره ۱۵ - شماره ۵

بهمن ۹۰

تشویق این گونه: هرگز! / ۱۸

شکوه تقدیسبان

۱ نکته درباره‌ی اجرای بهتر

ارزش‌یابی کیفی - توصیفی / ۲۰ ناصر

صامصونچی

درخت پیاز / ۲۴ سعیده اصلاحی

۳۶ راه برای ایجاد ارتباط در کلاس

درس / ۲۶ زهره اولیائی

مشتی گل، دنیایی از هنرمندی / ۲۸ سیمین

آذری نجف‌آبادی

ولوله‌ی یاددهی - یادگیری / ۳۰ محبت‌الله همتی

استفاده از فرصت‌ها / ۳۲ به انتخاب فرح‌بانو قائمی

تجرباتی

تشویق این گونه؛ هرگز!

نگاهی به برخی نکته‌های غلط در تشویق دانش‌آموزان توسط بعضی از معلمان

شکوه تقدیس‌یابان

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و عضو شورای مجله

نشده است. من از برجسته کردن چند نفر که منجر به گوشه‌گیری و تنش‌زایی در بچه‌های دیگر می‌شود، امتناع می‌کردم. نتیجه این بود که بچه‌ها، کلاس و معلم را متعلق به خودشان می‌دانستند و نمرات هر کدامشان برای من معنای هویتی و ارزشی خاص داشت. بنابراین ظرفیتی که از آن‌ها می‌دیدم، به صورت زبانی و نوشتاری تشویقشان می‌کردم و یا مأموریت‌های خاصی را که دوست داشتند و به آن‌ها اعتماد به نفس می‌داد، برایشان در نظر می‌گرفتم. بنابراین جایزه‌ی مادی در کلاس داده نمی‌شد. یاد گرفته بودند که اگر نمره‌ی خوبی گرفتند و یا به پیشرفتی نایل شده‌اند، پاداششان لذتی است که از آن موفقیت نصیبشان شده است. بعد اقتصادی جایزه‌ها، وقتی در مدرسه و در مقابل دیدگان دانش‌آموزان داده می‌شود، فاصله‌های طبقاتی را عیناً به رخ می‌کشد و عقده‌هایی ناگشودنی را بر کسانی که واجد آن شرایط نیستند؛ تحمیل می‌کند.

هستند معلمانی که با دادن جایزه‌های نقدی و جنسی مخالفتند، اما در مقابل تقاضای اولیای دانش‌آموزان که می‌خواهند با هدیه و جایزه‌ای او را در جمع دانش‌آموزان تشویق کنند، توان مخالفت ندارند. این در حالی است که توجه به این جمع‌گانه نامتجانس کلاسی و حسرت و آرزوهای نهفته‌ای که در دل‌های پاک و حساس بچه‌ها پنهان است، بیشترین لطمه را به آنان می‌زند. ممکن است، طفلی مادر یا پدر نداشته باشد. دیگری از فقر مالی خانواده رنج ببرد و سومی هرگز هدیه‌ای از کسی دریافت نکرده باشد و چهارمی در حسرت محبتی مادرانه بسوزد. در این کلاس نه تنها تشویقی صورت نگرفته است، بلکه آثار مخرب و جبران‌ناپذیری هم بر جای گذاشته شده است.

گاهی هدیه‌دادن‌های اولیای دانش‌آموزان، برای تشویق فرزندان‌شان به رقابت‌های فامیلی و همسایگی تبدیل می‌شود. این که کدام هدیه گران‌قیمت‌تر است، کدام هدیه با سلیقه‌ی بیش‌تری انتخاب شده است و مواردی این‌چنین در یک محیط آموزشی، خلاف اصول تربیت و آموزش و تحمیلی بر اقتصاد خانواده است. از همه مهم‌تر با اصل عدالت اجتماعی، آن هم در محیط فرهنگی مغایرت دارد. من که خود سال‌ها معلمی را تجربه کرده‌ام، با چنین ماجراهایی به

یکی از حساس‌ترین کارها در کلاس درس شیوه‌ی تشویق کردن معلم، مدیر و گاه اولیای دانش‌آموزان است. بچه‌ها با موقعیت‌های متفاوت اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و عاطفی، همه‌ی اتفاق‌ها و رخدادهای کلاس و مدرسه را درون‌سازی می‌کنند. تشویق‌ها اگر بجا و مناسب نباشد برای عده‌ای که تشویق نمی‌شوند، معادل تنبیه است. تشویق و تنبیه برعکس آن‌چه تصور می‌شود، یک شیوه‌ی تربیتی جمعی است، گرچه فقط یک یا دو فرد تشویق یا تنبیه شوند. شاگردانی که شاهد آن صحنه‌ها هستند، در ضمیر خود آن اتفاقات را ضبط می‌کنند.

بهترین تشویق آن است که دانش‌آموز، صرفاً از یادگیری و آموخته‌هایش خوش حال شود و به رضایت درونی برسد. معلمان با تجربه می‌دانند که از راه تشویق مثبت رفتارهای خوب و قابل قبول، می‌توان بسیاری از نارسایی‌هایی خلقی و درسی را بهبود بخشید. علامت‌ها و توصیه‌هایی که در زیر تکالیف کودکان و برای ترغیب و تشویقشان نوشته می‌شود، در صورتی که شامل همه‌ی دانش‌آموزان کلاس شود، انگیزه‌ای مناسب است.

تشویقی مناسب است که کودک برای قدم نهادن در عرصه‌های بعدی پیشرفت آماده کند. سال‌ها پیش معلمان شیوه‌های متفاوتی برای تشویق شاگردانشان در کلاس داشتند. یکی از آن‌ها برجسته کردن دانش‌آموزانی بود که نمره‌های بهتری داشتند و جلوتر از دیگران بودند. تصویر آنان به ترتیب امتیاز روی دیوار بعضی کلاس‌ها با سلیقه‌های متنوع نصب می‌شد. تجربه‌ی دیدار چند نوبت از این کلاس‌ها، این حقیقت را که می‌دیدیم که با گذشت زمان جای تصویرهای بچه‌ها یا عوض نمی‌شود و یا ارتقای کمی پیدا می‌کند. شاگردان ممتاز همیشه در رأس نمودار بودند و بقیه در پایین جدول. من هرگز معنی این نمودارها و هدف‌گذاری آن‌ها را نفهمیدم و فلسفه‌ی ظهورشان را با روش‌های تربیتی مغایر می‌دیدم. گاهی متذکر می‌شدم و گاهی هم فقط با اعتماد به همکارم، نظاره‌گر بودم.

حالا بعد از سال‌ها، دوران معلمی خود را به یاد می‌آورم که در تمام آن سال‌ها، در کلاس من شاگردی به عنوان اول و استثنایی مطرح



کرات روبه‌رو بودم، اما با کمال ادب از ولی دانش‌آموز عذرخواهی می‌کردم تا از تحمیل این هدیه بر من بپرهیزد و جایزه‌ی فرزند خود را در منزل و در محیط خانواده هدیه کند، نه در مقابل چشمان مشتاق و آرزومند بچه‌ها و هم‌کلاسی‌ها.

این رسم ناپسند اگر در مدرسه‌ای هست، بهتر است فراموش شود و جایزه‌دادن‌ها و تشویق‌ها که از اصول مهم آموزش و پرورش هست، سمت‌وسویی هدف‌دار و منضبط به خود بگیرد. جنسی که

اولیا تهیه می‌کنند و از مدرسه می‌خواهند آن را به عنوان جایزه به فرزندشان بدهد، چندین شکل را در خود دارد:

□ سلب اختیار از معلم برای اداره کلاس

□ لطمه وارد کردن به احساسات شاگردان دیگر کلاس که احتمالاً توانایی مالی کمتری دارند.

□ ایجاد رقابت‌های غیراصولی اولیای دانش‌آموزان برای انتخاب جایزه و هدیه

□ بار اقتصادی بی‌هدفی که بر اولیای خانه و مدرسه

تحمیل می‌شود.

□ انتظارات نامناسبی که دانش‌آموزان را

به سوی تقویت‌های بیرونی سوق می‌دهد.

□ خارج شدن آموزش و یادگیری از حالت

تربیتی به حالت طلبکاری بچه‌ها از بزرگ‌ترها

□ کم‌رنگ شدن و یس‌گم شدن هدف‌های

تربیتی در مراسم هدیه‌دادن و هدیه گرفتن

□ سلب اختیار معلم از طرح‌های نو و برنامه‌ریزی

برای ارتقای کیفیت تشویق‌ها و پاداش‌ها

□ درگیر کردن اولیای دانش‌آموزانی که مشمول این مراسم نبوده و یا

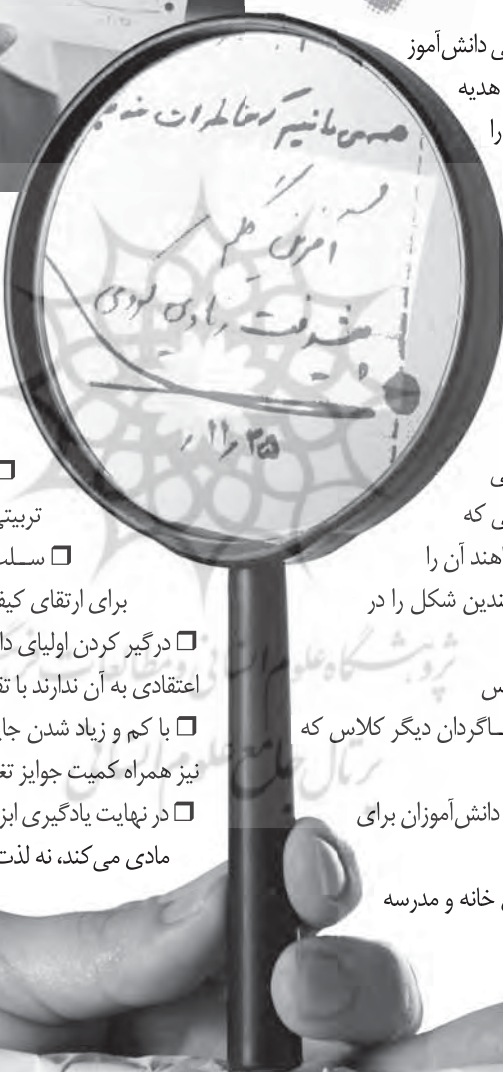
اعتقادی به آن ندارند با تقاضاها و خواسته‌های فرزندان

□ با کم و زیاد شدن جایزه‌های مادی، ممکن است انگیزه‌ی کودک

نیز همراه کمیت جوایز تغییر کند.

□ در نهایت یادگیری ابزاری می‌شود که یادگیرنده را جذب هدف‌های

مادی می‌کند، نه لذت‌های درونی.



۱ نکته درباره‌ی اجرای بهتر ارزش‌یابی کیفی - توصیفی

ناصر صامصونچی

مدرس ارزش‌یابی توصیفی و کارشناس ارشد علوم تربیتی، تبریز

اشاره

یکی از مؤثرترین و کارسازترین مجاری اصلاح نظام آموزش و پرورش، توجه به نظام ارزش‌یابی از آموخته‌های دانش‌آموزان است.

برنامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی در آموزش و پرورش ایران را می‌توان یکی از نوآوری‌های مهم حوزه‌ی تعلیم و تربیت کشورمان خواند که قصد دارد با ارائه‌ی چهره‌ی جدیدی از اهداف و روش‌های ارزش‌یابی، تحولی مهم و گسترده در نظام آموزشی دوره‌ی ابتدایی ایجاد کند. برای اجرای موفقیت‌آمیز این رویکرد جدید نمی‌توان صرفاً به بخش‌نامه و دستورالعمل‌های اداری بسنده کرد، بلکه برای اجرای آن باید تمهیداتی اندیشیده شود. هدف این مقاله، ارائه‌ی رهنمودهایی است که می‌تواند مجریان برنامه‌ی ارزش‌یابی توصیفی را در اجرای بهتر آن یاری کند. امیدواریم سلسله مطالبی که در دوره‌ی جدید درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی منتشر کرده‌ایم، به نحو مقتضی همکاران محترم را در آشنایی بیشتر با این مقوله یاری دهد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، برنامه‌ها و طرح‌های آموزشی، دوره‌ی ابتدایی.

۱۳۸۷]. به همین دلیل براساس دستورالعمل‌های وزارتی، تشکیل کمیته‌ای با عنوان کمیته‌ی پشتیبانی از برنامه در اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان‌ها پیش‌بینی شده است. پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای مشابه کمیته‌ی استانی در اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان‌ها نیز تشکیل گردد. کمیته‌های شهرستان‌ها براساس تجربه‌های مجریان برنامه و مشورت با آن‌ها مشکلات و نارسایی‌های برنامه مشخص کرده، همراه با پیشنهادهای اصلاحی به کمیته‌ی استانی اعلام می‌کنند. تشکیل کمیته‌ای در هر مدرسه برای نظارت بر حسن اجرای برنامه، متشکل از مدیر، معاونان آموزشگاه و معلمان مجری به اجرای بهتر برنامه کمک می‌کند. کمیته‌ی مدرسه‌ای می‌تواند عهده‌دار فعالیت‌های زیر شود: - بررسی مشکلات و تنگناهای اجرای ارزش‌یابی توصیفی در

مدرسه

چند سالی است که رویکرد ارزش‌یابی توصیفی وارد نظام سنجش و ارزش‌یابی مدارس ابتدایی کشور شده است و در سال تحصیلی جاری (۹۱-۱۳۹۰)، در تمامی کلاس‌های پایه‌های اول تا سوم و برخی از کلاس‌های پایه‌ی چهارم در حال اجراست.

بدون تردید مهم‌ترین دغدغه‌ی تمامی مجریان ارزش‌یابی توصیفی این است که چگونه می‌توان این برنامه را مطلوب‌تر و بهتر اجرا کرد. در این مقاله، پیشنهادهایی مؤثر برای موفقیت مجریان در اجرای برنامه و استقرار با کیفیت آن ارائه می‌شود:

۱. تشکیل کمیته‌های پشتیبانی علمی و اجرایی

یکی از چالش‌های اساسی که همواره فراروی انتشار نوآوری‌های آموزشی قرار می‌گیرد، عدم حمایت کافی از نوآوری است [حسینی‌خواه،



محتوای کارنامه‌ی درسی و تربیتی، مشکلات یادگیری دانش‌آموزان و نحوه‌ی همکاری اولیا با معلم برای رفع این مشکلات و شرایط ارتقا و تکرار پایه تشریح می‌شود.

۴. نقش محوری بازخورد مناسب و مؤثر در ارزش‌یابی توصیفی

تفاوت عمده‌ی ارزش‌یابی توصیفی با ارزش‌یابی سنتی در بازخوردی است که معلم به دانش‌آموز می‌دهد. در روش سنتی، بازخورد در قالب نمره و در روش توصیفی بر مبنای توصیف میزان پیشرفت دانش‌آموز است. معلم در هنگام بازخورد به دانش‌آموز، ابتدا نقاط قوت دانش‌آموز را بیان می‌کند، سپس ضعف‌های او را مشخص کرده، در مرحله‌ی بعد همانند یک درمان‌گر و متخصص یادگیری، راهکارها و رهنمودهای عملی را ارائه می‌دهد تا یادگیری دانش‌آموز بهبود یابد.

به جرأت می‌توان گفت آن‌چه موفقیت معلم را در اجرای ارزش‌یابی توصیفی تضمین می‌کند، ماهیت بازخوردی است که وی به دانش‌آموز می‌دهد [بروکهارت، مقدمه‌ی مترجم، ۱۳۸۹] (در این ارتباط به مقاله‌هایی که از سیدعلی عبداللهی حسینی در شماره‌ی اول و بهمن قره‌داغی در شماره‌ی دو رشد آموزش ابتدایی چاپ شده است، مراجعه فرمایید).

۵. آموزش نحوه‌ی به‌کارگیری ابزارهای متنوع ارزش‌یابی توصیفی، متناسب با موضوعات و مفاهیم درسی

در الگوی ارزش‌یابی توصیفی، علاوه بر آزمون‌های مداد کاغذی، از ابزارهای متعدد دیگری چون ثبت مشاهده، آزمون عملکردی و پروژه جهت ارزش‌یابی فرآیند یاددهی - یادگیری استفاده می‌شود.

تردیدی نیست همان‌گونه که هر معلمی در تهیه و اجرای آزمون‌های کتبی رایج به تلاش و تجربه‌ی فراوان نیازمند است تا در کارش مسلط

- برگزاری جلسات بحث و گفت‌وگو و تبادل تجربه بین معلمان - برنامه‌ریزی برای بازدید مجریان از مدارس موفق در اجرای برنامه، به منظور انتقال تجربیات و ابتکارات مفید مدارس مجری به یکدیگر - تشکیل جلسه برای تبادل نظر معلمانی که تازه به جمع مجریان پیوسته‌اند، با معلمان مجری سال‌های قبل

۲. تربیت مدرسان برنامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی

آموزش مطلوب معلمان مجری، نیازمند وجود مدرسان با انگیزه، علاقه‌مند و با اطلاعات کافی است. در انتخاب افراد برای اعزام به دوره‌های تربیت مدرس برنامه (کشوری یا استانی) بایستی دقت لازم به عمل آید. بهتر است این افراد تحصیلات بالا و توانایی و قدرت بیان مناسب داشته باشند و علاقه‌مند به نوآوری و اجرای طرح‌های جدید باشند. همچنین آن‌ها جزو برگزیدگان جشنواره‌های علمی و پژوهشی مانند جشنواره‌ی الگوهای تدریس و معلم پژوهنده بوده و مهم‌تر از همه در میان معلمان محبوبیت داشته باشند.

۳. آشناسازی والدین دانش‌آموزان با ارزش‌یابی توصیفی

از عوامل موفقیت مدارس در اجرای برنامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، برقراری ارتباط با اولیا و هماهنگی با آنان است. تشکیل جلسات توجیهی و گفت‌وگو با اولیا درباره‌ی اهداف، ویژگی‌ها و آثار و نتایج الگوی ارزش‌یابی توصیفی، آنان را آماده‌ی پذیرش و همکاری می‌کند. بهتر است اولین جلسه‌ی توجیهی در آغاز سال تحصیلی برگزار شود. در این جلسه بعد از نمایش فیلم «روی یک خط»، (از تولیدات دفتر ارزش‌یابی تحصیلی - تربیتی سابق)، توضیحات کوتاهی درباره‌ی ضرورت تغییر شیوه‌ی ارزش‌یابی تحصیلی در دوره‌ی دبستان و چگونگی اجرای ارزش‌یابی توصیفی در کلاس درس ارائه می‌گردد. در جلسات دیگر که می‌تواند بعد از نوبت اول (دی‌ماه) و نوبت دوم (خردادماه) برگزار شود،

فعالیت‌های آن‌ها ممکن است به خوبی صورت نگیرد. بر مبنای برخی پژوهش‌های انجام یافته و براساس نظرات و پیشنهادهای معلمان و مدیران مدارس، بهتر است جمعیت کلاس‌های مجری ارزش‌یابی توصیفی، در محدوده‌ی ۲۰ تا حداکثر ۳۰ نفر باشد. هرچه این تعداد کمتر باشد، بی‌تردید امکان اجرای مطلوب ارزش‌یابی کیفی - توصیفی بیشتر خواهد شد [حسینی و احمدی، ۱۳۸۶. حیدری، ۱۳۸۷].

هم‌چنین، برای این‌که اجرای ارزش‌یابی توصیفی در کلاس‌های پرجمعیت با مشکل کم‌تری مواجه گردد، لازم است که معلم با برنامه‌ریزی فعالیت‌های کلاسی، زمان را جهت اجرای ارزش‌یابی توصیفی مدیریت کند. توصیه‌های زیر می‌تواند در این زمینه به معلمان کمک نماید:

✓ از اخذ آزمون‌های مکرر و متوالی خودداری کنید.
✓ لازم نیست در هر اثر کتبی معمول به دانش‌آموز بازخورد کتبی داده شود. از بازخوردهای شفاهی نیز استفاده کنید.
✓ از دادن تکالیف تمرینی با حجم زیاد به دانش‌آموزان خودداری کنید.
✓ سعی کنید دور کلمات غلط املا فقط خط بکشید و یا بالای آن را تیک بزنید و مبادرت به صحیح‌نویسی آن نکنید، بلکه دانش‌آموز را ملزم به جست‌وجو کنید تا صحیح کلمه را خود پیدا کند [رادمنش و خلیلی، ۱۳۸۹].

✓ در ساعات‌های درس املا، از روش‌های املا نویسی مانند املا پای تخته سیاه، املا ی گروهی استفاده کنید.
✓ به منظور تنظیم حداکثر زمان برای تدریس و توجه به دانش‌آموز، در کاربرد ابزار و روش‌ها، ابزار و روش‌های ساده و کمتر وقت‌گیر (به شرط نتیجه‌بخش بودن) را در اولویت قرار دهید.
✓ برای قرار دادن آثار و اسناد لازم در پوشه‌ی کار، از خود دانش‌آموزان کمک بگیرید.

✓ در استفاده از چک‌لیست‌ها زیاده‌روی نکنید. هم‌چنین به جای استفاده از چک‌لیست‌های فردی، از چک‌لیست‌های گروهی و یا کلاسی، بیشتر استفاده کنید.

۸. مناسب‌سازی فضای مدارس برای اجرای ارزش‌یابی توصیفی

اگر انتظار داریم معلمان در بهبود آموزش نقش عمده‌ای داشته باشند - هم‌چنان که باید چنین باشد - در این صورت فراهم کردن محیطی که آن‌ها بتوانند این کار را انجام دهند، ضروری است [استیگلر

شود، برای تسلط بر این ابزارها نیز، به تلاش و تمرین نیازمند است تا در کاربرد آن‌ها مهارت و تبحر حاصل شود. به همین دلیل لازم است با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تهیه‌ی منابع آموزشی معتبر، معلمان مجری را به شکل کاربردی و عملی با ابزارهای سنجش به‌کار رفته در ارزش‌یابی توصیفی، نحوه‌ی تهیه، آماده‌سازی و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها آشنا کرد.

ساده‌اندیشی است که از معلمان انتظار داشته باشیم روش‌های سنجش جدید را بدون داشتن فرصتی برای تمرین این روش‌ها و یادگیری چگونگی استفاده از آن‌ها، در کلاس درس به کار برند.

۶. آشنا ساختن مدیران، معاونان و معلمان مجری با نظریه‌های جدید یادگیری

الگوی ارزش‌یابی توصیفی از مفهوم‌پردازی‌های جدید در حوزه‌ی یادگیری الهام گرفته شده است. مدیران و معلمان که با نظریه‌های جدید یادگیری آشنایی کافی ندارند و هنوز تحت تأثیر دیدگاه‌های قدیمی یادگیری هستند، در درک عمیق دلایل تغییر شیوه‌ی ارزش‌یابی موجود و دلایل حرکت و توجه به سمت‌وسوی رویکردهای کیفی در ارزش‌یابی، با مشکل روبه‌رو خواهند شد. از این‌رو یکی از اقدام‌های مناسب برای اشاعه‌ی درست و منطقی الگوی ارزش‌یابی توصیفی، آشنا ساختن مدیران و معلمان با نظریه‌های جدید یادگیری است.

پیشنهاد می‌شود مدیران و معلمان مجری را از طریق شیوه‌های آموزش حضوری و یا غیرحضوری، با نظریه‌های ساخت‌گرایی، شناخت‌گرایی، فراشناخت، نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی **هوارد گاردنر**، یادگیری مبتنی بر مغز، مفهوم حوزه‌ی رشد بالقوه‌ی ویگوتسکی و دلالت‌های عملی این نظریه‌ها در آموزش و ارزش‌یابی آشنا کرد.

۷. رعایت تراکم دانش‌آموزی مناسب در کلاس‌های مجری ارزش‌یابی توصیفی

در ارزش‌یابی توصیفی معلم باید تلاش کرد دانش‌آموزان خود را در حد امکان به خوبی بشناسند. بداند که چرا آن‌ها برخی اشتباهات را مرتکب می‌شوند و از علل ضعف‌هایشان آگاهی یابد. این کار با دقت بر روی اشتباهات آن‌ها در جریان یادگیری و تحلیل آن خطاها میسر است [حسینی و احمدی، ۱۳۸۸]. چنین ویژگی در صورتی می‌تواند تحقق یابد که معلم بر تمام فعالیت‌های دانش‌آموزان نظارت دائمی داشته باشد. در صورتی که تعداد دانش‌آموزان در کلاس زیاد باشد، نظارت بر

و هیبرت، ۱۳۸۴]. به همین خاطر بایستی فضای مدارس برای اجرای الگوی ارزش‌یابی توصیفی مناسب‌سازی شود.

تغییر در چینش صندلی‌های کلاس، داشتن میز و صندلی‌هایی که بتوان از آن‌ها برای کار گروهی استفاده کرد و در کنار آن پیش‌بینی امکانات جانبی متعارف در کلاس درس، مانند کمد یا قفسه برای نگاه‌داری پوشه‌های کار دانش‌آموزان ضروری است.

۹. اجرای ارزش‌یابی توصیفی در کلاس‌های چندپایه

اجرای ارزش‌یابی توصیفی در کلاس‌های چندپایه به دلیل حضور دانش‌آموزان مشمول برنامه‌ی توصیفی و غیرمشمول، در مقایسه با کلاس‌های تک‌پایه مشکل‌تر بوده و نیازمند اتخاذ شیوه‌های مناسب از سوی معلم است. دو شیوه‌ی پیشنهادی عبارتند از:

– بهتر است در طول سال تحصیلی به جای نمره، از بازخورد توصیفی برای همه‌ی دانش‌آموزان استفاده شود و نمره را تنها در پایان هر نوبت در لیست امتحانات و کارنامه‌ی دانش‌آموزان غیرتوصیفی درج کنیم.
– برای قرار دادن آثار و اسناد لازم در پوشه‌ی کار دانش‌آموزان توصیفی، از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر (چهارم و پنجم) کمک بگیرید.

۱۰. جایگاه کتابخانه‌های مدارس در اجرای ارزش‌یابی توصیفی

یکی از اهداف اصلی و مهم ارزش‌یابی توصیفی، تعمیق یادگیری از طریق افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی – یادگیری است. برای نیل به این هدف، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که با انجام فعالیت‌هایی در قالب آزمون‌های عملکردی و پروژه، خود به صورت فعالانه به تولید دانش دست بزنند. برای انجام این فعالیت‌ها دانش‌آموز نه تنها باید به اطلاعات و منابع اطلاعاتی دسترسی داشته باشد، بلکه باید فنون دست‌یابی، جست‌وجو و استفاده از اطلاعات را بداند. چنین مهارت‌هایی، به توان‌مندی دانش‌آموزان در یادگیری مادام‌العمر، که یکی از هدف‌های نظام ارزش‌یابی توصیفی است، کمک می‌کند. از زیرساخت‌های اصلی چنین آموزشی، وجود کتابخانه در مدرسه است. کتابخانه‌های آموزشی قادرند با خدماتی که به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند، بر عمق و میزان موفقیت آنان در یادگیری بیفزایند. به همین دلیل، کتابخانه‌های مدارس از عناصر کلیدی برنامه‌ی ارزش‌یابی توصیفی به‌شمار می‌آیند [میرحسینی و پریخ، ۱۳۸۷].

هر مدرسه‌ی مجری باید به کتابخانه‌ای مناسب با دوره‌ی تحصیلی ابتدایی و نیازهای دانش‌آموزان مجهز باشد.

۱۱. شیوه‌ی بازدید از کلاس‌های مجری ارزش‌یابی توصیفی

اگرچه فعالیت‌های متعددی در مدرسه و کلاس درس صورت می‌گیرد، اما اساس فعالیت‌ها، یاددهی و یادگیری است. یاددهی و یادگیری پیوسته باید مرکز توجه باشد و سایر فعالیت‌ها به نوعی فرآیند یاددهی – یادگیری را حمایت، تقویت و پشتیبانی کند [رییس دانا، ۱۳۸۸]. یکی از نکته‌های کلیدی در هرگونه آموزشی، بازدید کارشناسان از کلاس‌های مجربان است. برخی از بازدیدکنندگان به دلیل عدم آشنایی کافی با ماهیت و اهداف ارزش‌یابی توصیفی، در بازدید از کلاس‌های مجری، مستقیم به سراغ ابزارهایی مانند پوشه‌ی کار و چک‌لیست می‌روند. گرچه ابزارهای ارزش‌یابی توصیفی مهم و با ارزش هستند، ولی این ابزارها، هدف ارزش‌یابی نیستند بلکه هدف، کیفیت یادگیری و بهبود یادگیری است.

در بازدیدها به جای متمرکز شدن صرف بر روی بررسی ابزارها (پوشه‌ی کار، چک‌لیست)، بایستی کیفیت آموزش و میزان یادگیری دانش‌آموزان مشاهده شود.

هم‌چنین صرفاً به نتایج توجه کردن نیز کار دقیقی نیست. منظور این است که این مدعا دقیق نیست که بگوییم: «حال که یادگیری دانش‌آموزان خوب بوده است، پس کار تمام است.» زیرا این امکان وجود دارد یادگیری‌ها به روش‌های نادرست رخ داده باشد. این که جریان یادگیری چگونه هدایت می‌شود، مهم است [حسینی، ۱۳۹۰].

منابع

۱. استیکلر، جیمز و هیبرت، جیمز (۱۳۸۴). شکاف آموزشی. ترجمه‌ی محمدرضا سرکار آرائی و علی‌رضا مقدم. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. پروکهارت، سوزان (۱۳۸۹). ارزش‌یابی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر. ترجمه‌ی طاهره رستگار. مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت. تهران.
۳. حسینی، محمد و احمدی، غلامعلی (۱۳۸۶). زمینه‌یابی اجرای ارزش‌یابی کیفی – توصیفی در مدارس ابتدایی شهر تهران. فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، شماره‌ی ۲۳. تهران.
۴. حسینی، محمد و احمدی، حسین (۱۳۸۸). ارزش‌یابی توصیفی، الگویی نو در ارزش‌یابی تحصیلی. انتشارات مدرسه. تهران.
۵. حسینی، محمد (۱۳۹۰). پرسش و پاسخی درباره‌ی ارزش‌یابی کیفی توصیفی <http://baher.blogfa.com/post-131.aspx>
۶. حسینی‌خواه، علی (۱۳۸۷). بررسی نظریه‌ی انتشار نوآوری در حوزه‌ی آموزش. فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، شماره‌ی ۲۶. تهران.
۷. حیدری، جعفر (۱۳۸۷). بررسی مشکلات اجرایی طرح ارزش‌یابی توصیفی از پایه‌ی اول تا چهارم ابتدایی استان ایلام در سال ۱۳۸۷. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۸. رادمنش، محمدحسین و خلیلی، افسر (۱۳۸۹). ارزش‌یابی کیفی – توصیفی: چستی، چرایی و چگونگی. ناشر: رادمنش. یزد.
۹. رییس دانا، فرخ‌لقا (۱۳۸۸). ارتقای کیفیت اجرای برنامه‌های درسی. رشد تکنولوژی آموزشی، شماره‌ی پیاپی ۲۰۱. تهران.
۱۰. میرحسینی، ناهید و پریخ، مه‌ری (۱۳۸۷). ارزش‌یابی تحصیلی، نظام نوین آموزش ابتدایی در ایران و جایگاه کتابخانه‌های مدارس در آن. گزارشی از یک پژوهش. فصلنامه کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی. شماره‌ی پیاپی ۴۴. مشهد.



قصه‌های یک کلاس اولی به قلم آموزگار کلاس اولی

درخت پیاز

سعیده اصلاحی

آموزگار پایه‌ی اول، منطقه‌ی ۱۵ تهران

کار عملی علومه... برای درس رشد گیاهان، مگه شما نخوندین؟» آهسته گفتم: «نه، انگار ما توی علوم از شما عقب‌تریم... خُب حالا قراره چی کار کنید؟» فرشته لقمه‌اش را قورت داد و گفت: «هیچی، توی یک لیوان، آب می‌ریزیم و یه پیاز رو از قسمت سرش می‌اندازیم توی اون... و بعد می‌گذاریم جایی که نور کافی داشته باشه. بعد از مدتی پیاز، ریشه و برگ می‌ده... حالا زود باش بیسکوئیت رو بخور، الان زنگ می‌خوره‌ها!»

زنگ بعد علوم داشتیم، با اشتیاق انگشتم را بالا بردم و گفتم: «خانوم اجازه، ما کی درخت پیاز می‌کاریم؟ گیلاسی‌ها امروز کاشتن!» بچه‌ها زدند زیر خنده و خانم هم نتوانست جلوی خنده‌اش را بگیرد. با دل خوری گفتم: «حرفم که خنده‌دار نبود.» خانم به طرفم آمد و در حالی که هنوز لیخند بر لب داشت، نوازشم کرد و گفت:

«عزیز دلم، ممنون که حرف بامزه‌ای زدی و باعث شادی بچه‌ها شدی. اتفاقاً درس امروز ما هم راجع به گیاهان و مراحل رشد اون‌هاست. پیاز هم از گیاهانی است که خیلی راحت می‌شه مراحل رشدش رو مشاهده کرد... اما درخت نداره... پیاز یک گیاه بوته‌ای با برگ‌های دراز و باریکه... بچه‌های کلاس گیلاس امروز مرحله‌ی کاشت پیاز توی لیوان رو شروع کردن، شما هم برای جلسه‌ی بعدی علوم، باید این کار رو انجام بدین... خُب حالا می‌ریم سراغ درس.»

به حرفی که زده بودم، فکر کردم و از تصورش خنده‌ام گرفت. تصور رشد درخت پیاز توی یک لیوان! و زیرچشمی به خانم معلم نگاه کردم که برای شروع درس جدید علوم روی سکو ایستاده بود و به بچه‌ها لیخند می‌زد.

همین که دوستم فرشته، وارد مدرسه شد، دوان دوان به سمتش رفتم و با صدای بلند گفتم: «سلام». فرشته، دستش را بالا برد و با عجله گفت: «سلام، جلو نیا... نیا... ممکنه این بیفته، بشکنه!» خنده‌ام گرفت و گفتم: «این چیه؟ چرا پیاز انداختی توی لیوانت؟» فرشته گفت: «برای درس علومه... خانم گفته». بقیه‌ی حرف‌های فرشته را نشنیدم، چون صدای زنگ، مجبورمان کرد به طرف صف کلاس برویم. فرشته، کلاس اول «گیلاس» بود و من، اول «آناناس». سر صف، توی دست بیشتر گیلاسی‌ها، لیوان و پیاز بود.

موقع مراسم صبحگاه اصلاً حواسم به برنامه نبود. وقتی صف ما به کلاس رسید، دویدم و نشستم سر جایم. کتاب «علوم» را باز کردم و هی ورق زدم، اما نه لیوانی بود و نه پیازی. مبصر کلاس ما که از پنجمی‌ها بود، با رضایت گفت: «آفرین به سارا که داره علوم می‌خونه». بچه‌ها یکی در میان گفتند: «الان علوم نداریم که... املا داریم... باید فارسی بخونه!».

مبصر جواب داد: «خُب چه عیبی داره... زنگ بعد علوم دارید دیگه... مگه نه؟»

بحث بچه‌ها ادامه داشت ولی من بدون توجه به آن‌ها، مشغول زیرورو کردن کتاب علوم بودم.

خانم معلم وارد کلاس شد، من هم که از جست‌وجو خسته شده بودم، علوم را بستم و دفتر املا را باز کردم.

زنگ تفریح، پای پله‌ها منتظر فرشته ماندم. وقتی او را دیدم، دوباره پرسیدم: «فرشته، کجای کتاب علوم لیوان و پیاز هست؟» فرشته در حالی که لقمه‌اش را گاز می‌زد، خنده‌اش گرفت و گفت: «هیچ‌جا... این یه



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتابک جامع علوم انسانی

پژوهش

۲۵

آموزش ابتدایی
دوره ۱۵ شماری ۵
بهمن ۹۰

۳۶ راه برای ایجاد ارتباط در کلاس درس

زهره اولیائی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی
آموزگار دبستان پسرانه‌ی دانایان شهرضا، اصفهان

اشاره

تاکنون هرچه در کتاب‌ها و نوشته‌های متعدد، از روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی سخن به میان آمده است اغلب تأکید بر مدیران و کارکنان (فراادستان و فرودستان) بوده است و روابط انسانی در خرده‌سیستم‌ها از جمله کلاس درس و رابطه‌ی معلم و شاگرد کم‌رنگ جلوه داده شده است. بی‌انضباطی، اختلال‌های رفتاری و بسیاری موارد دیگر بر روابط انسانی در کلاس درس تأثیر می‌گذارند و در فرآیند تدریس و یادگیری خلل ایجاد می‌کنند. به نظر می‌رسد معلمان قبل از این که بتوانند به خوبی آموزش دهند، ابتدا باید تلاش خود را صرف بهبود کیفیت روابط بین انسان‌هایی کنند که در کلاس هستند. در این نوشتار مؤلف راهکارهایی را جهت ایجاد روابط انسانی بهتر در کلاس و تأثیرگذاری بیش‌تر و بهتر معلم در برقراری ارتباطات بین خود و دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با یکدیگر ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ تفاهم، روابط انسانی، انضباط، ناسازگاری، موانع ارتباط، ارتباط خوب.

نراحت و نسبت به درس و مدرسه دل‌سرد نمی‌شوند، بلکه سعی می‌کنند رفتار خود را اصلاح کنند.

۴. هرگز از تنبیه بدنی استفاده نکنید. از تنبیه‌هایی نظیر محرومیت و بی‌توجهی کمتر استفاده کنید و برای حذف رفتارهای منفی، به تقویت رفتارهای مثبت آن‌ها بپردازید.

۵. سعی کنید در هر صورتی آرامش خود را حفظ کنید و با صدای بلند صحبت نکنید، فریاد زدن آخرین و بدترین تنبیه شما باشد که بعد از اجرای روش‌های دیگر و عدم موفقیت در آن‌ها به کار می‌گیرید.

۶. از تشویق به عنوان مؤثرترین عامل اصلاح و تقویت رفتار استفاده کنید.

۷. محیطی با نشاط، متنوع و برانگیزنده، با روحیه‌ی کار گروهی برای دانش‌آموزان ایجاد کنید.

۸. به ایجاد انگیزه و رغبت برای یادگیری در

۱. به هر کس برای حرف زدن نوبت بدهید. از بچه‌ها بخواهید، زمانی که یکی از دوستان آن‌ها صحبت می‌کند به او احترام بگذارند و به صحبت‌هایش گوش کنند.

۲. پاسخ بچه‌ها را رد نکنید. به جای آن بگویید: «چه کسی می‌تواند صحبت دوستش را دقیق و با کامل‌ترین بیان کند؟»

۳. با دانش‌آموزان دوست باشید ولی جایگاه خود را نزد آن‌ها حفظ کنید. زمانی که بچه‌ها معلم را دوست خود فرض کنند، حرف‌شنوی بیشتری خواهند داشت و سعی می‌کنند کاری انجام ندهند که موجب ناخشنودی او را فراهم آورد. بچه‌ها از معلم‌الگو می‌گیرند و سعی می‌کنند از خصوصیات اخلاقی و رفتاری وی پیروی کنند. از تنبیه‌های رفتاری یا کلامی معلم (بی‌توجهی برای زمانی کوتاه، اخم کردن، گفتن کلمات و یا جملاتی مانند «از تو انتظار نداشتم، از رفتار شما ناراحت شدم، فکر نمی‌کردم چنین رفتار ناراحت‌کننده‌ای را با دوستانت داشته باشی»)



گفتار درستی داشته باشید.

۱۶. به جای فریاد زدن و بلند صحبت کردن، آرام، شمرده ولی رسا صحبت کنید.

۱۷. درباره‌ی خطاهای کوچک بچه‌ها، دور از جمع و به‌طور خصوصی صحبت کنید.

۱۸. گاهی میز و صندلی خود را رها کرده و برای چند دقیقه در جمع دانش‌آموزان بنشینید.

۱۹. قرار گرفتن معلم در آخر کلاس زمان بی‌توجهی بچه‌ها به درس و صحبت کردن با هم را کاهش می‌دهد.

۲۰. در امر تدریس به تفاوت‌های فردی و تمام جنبه‌های رشد کودک توجه کنید.

۲۱. به دانش‌آموزان با دید مثبت نگاه کنید و به آن‌ها مسئولیت بدهید.

۲۲. انعطاف‌پذیر، انتقادپذیر و شنونده‌ی خوبی برای بچه‌ها باشید.

۲۳. در ارتباط با اتفاقات کلاس عجلوانه قضاوت نکنید.

۲۴. در کلاس، احترام متقابل با دانش‌آموزان را حفظ کنید، آن‌ها را زیر سؤال نبرید.

۲۵. مثبت اندیشیدن و دید مثبت داشتن را در بچه‌ها تقویت کنید. به‌هنگام دعوی دانش‌آموزان، ضمن توجه به

دانش‌آموزان قبل از آغاز آموزش توجه کنید. دانش‌آموزی که نسبت به یادگیری موضوع درسی از خود علاقه نشان می‌دهد، کمتر موجب اختلال در تدریس می‌شود.

۹. در مقابل خطاهای دانش‌آموزان صبور بوده و در صورت امکان از اشتباه آن‌ها چشم‌پوشی کنید. (تغافل)

۱۰. قوانین کلاس را به صورت بیان احساسات به بچه‌ها گوشزد کنید. برای مثال بگویید: «بچه‌ها من دوست دارم، زمانی که درس می‌دهم همه به من توجه کنید.»

۱۱. قوانین کلاس را توصیف کنید. «بچه‌ها! زمانی که شما با اجازه گرفتن از من صحبت می‌کنید، نه با هم و بدون اجازه؛ من بهتر می‌توانم به صحبت‌های شما گوش بدهم.»

۱۲. برای رعایت حقوق دیگران در کلاس امتیازی را در نظر بگیرید. «کسانی که موقع انجام تکالیف کلاسی نوبت را رعایت کنند و به حقوق دوستان خود احترام بگذارند، برای برعهده گرفتن مسئولیت‌های کلاس در اولویت هستند.»

۱۳. صندوق پیشنهادها کلاس: هر دانش‌آموز می‌تواند گلابه و شکایت و یا پیشنهاد خود را روی کاغذ نوشته و در صندوق بیندازد تا در پایان هر هفته بررسی شوند.

۱۴. با بچه‌ها درباره‌ی برخی از فعالیت‌های کلاس مشورت کنید. «بچه‌ها! دوست دارید چه موضوعی را نقاشی کنید؟»

۱۵. سعی کنید خود، به عنوان الگوی بچه‌ها، رفتار و

دنیایی از هنر مندی مشتی گل

نگاهی به جایگاه سفالگری در هنر دوره ابتدایی

سپهر آذری نجف‌آبادی

آموزگار دبستان ۱۳ آبان، قهبرستان فلاورجان

علاقه‌ی بچه‌ها به خاک‌بازی و گل‌بازی در هر کشور و هر اقلیمی، بر کسی پوشیده نیست. شاید این تمایل ریشه در فطرت آدمی دارد، همان‌طور که خداوند در آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی «الرحمان» در قرآن می‌فرماید: «خلق الانسان من صلصال کالفخار» (انسان را از گل خشکی مانند سفال پخته آفرید).

نه تنها بچه‌ها که ما بزرگ‌ترها هم اگر مُشتی گل در دست داشته باشیم، سر ذوق می‌آییم که به آن شکل دل‌خواه خود را بدهیم. در برنامه‌ی درسی جدید هنر که طی چند سال اخیر اجرا شده است، سفال‌گری نیز در چند جلسه قرار گرفته است.

دانش‌آموزان خاصیت‌های شکل‌پذیری و نقش‌پذیری گل را دوست دارند. در سفال‌گری، کار با انگشتان دست باعث تقویت ماهیچه‌های کوچک آن می‌شود، به‌ویژه کودکانی که حوصله‌ی کم‌تری در انجام کارهای دقیق نشان می‌دهند؛ با علاقه به آن جذب می‌شوند و در بهتر شدن خط و افزایش دقت بسیار مؤثر است. اعتمادبه‌نفس بچه‌ها و شادی وصف‌ناپذیر آن‌ها پس از این‌که تولید خود را در دست می‌گیرند و با افتخار به دوستان خویش نشان می‌دهند، وقتی افزون می‌شود که آثارشان روی میز کوچکی در سالن مدرسه به نمایش درمی‌آید. گرچه شاید از دید ما بزرگ‌ترها آثارشان کج و یا با رنگ‌های غیرمتناسب باشد، اما زیبایی و جذابیت ویژه‌ی خود را دارد.

صحبت‌های آن‌ها اقدامات زیر را انجام دهید:

۲۶. اطلاعات را در اختیار کودکان قرار دهید. وقتی اطلاعات را در اختیار کودکان قرار می‌دهید، معمولاً آنان خودشان متوجه می‌شوند چه باید بکنند.

۲۷. منظورتان را با یک کلمه بیان کنید. برای مثال معلم می‌گوید: «بچه‌ها، دعوا!»

۲۸. توصیف کنید. مسئله و آن‌چه را می‌بینید، توصیف کنید

– می‌بینم که دو تا دوست خوب، با هم دعوا می‌کنند، حتماً خیلی از دست هم عصبانی هستند؛ با حرف زدن هم می‌شود مشکل را حل کرد.

۲۹. هم‌دردی با کودک و بیان احساسات او. «حتماً تو از دست دوست خیلی ناراحت هستی!»

۳۰. درباره‌ی احساسات خود حرف بزنید. «وقتی شما با هم دعوا می‌کنید، من ناراحت می‌شوم.»

۳۱. احساسات خود را با شدت و انتظارات خود را جز به جز بیان کنید.

۳۲. راه جبران خطاها را به کودکان نشان دهید و روش مفیدی پیشنهاد کنید.

۳۳. به کودک فرصت دهید و بگذارید کودک پی‌آمدها را تجربه کند.

۳۴. اگر قولی به بچه‌ها می‌دهید، حتماً به آن عمل کنید و الگوی خوبی برای بچه‌ها باشید.

۳۵. سؤالات و پیشنهادهای بچه‌ها را جدی بگیرید و با دقت گوش کنید و صحبت‌شان را قطع نکنید

۳۶. اجازه ندهید دانش‌آموزان سؤالات یا پاسخ‌های دوستانشان را مسخره کنند.

منابع

۱. برومند، زهرا (۱۳۸۷). مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 ۲. حاتمی، حمیدرضا، سردی؛ محمدرضا (۱۳۸۷). روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
 ۳. فایسر، آدل، مازلیش، الین، عباسی‌فر، فاطمه (۱۳۸۱). به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن، تهران، نشر دایره.
 ۴. گوردون، توماس، فرجا دی، پریچر (۱۳۸۱). فرهنگ تفاهم در مدرسه، تهران، انتشارات آیین تفاهم.
 ۵. وکیلان، منوچهر (۱۳۸۵). روش‌ها و فنون تدریس، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
6. <http://www.education-word.com/a-curr/shore/shore05.shtml>.

از دیگر محاسن سفال‌گری، قابلیت ترکیب رنگ‌ها و آموزش آن‌ها به دانش‌آموزان است که پس از درست کردن شیء سفالی، با رنگ گواش و قلم‌مو یا حتی با انگشتان کوچک خویش در صورتی که سخت‌گیری زیاد در کار نباشد، با علاقه وافری به آن می‌پردازند. حتی دانش‌آموزانی که با بی‌حوصلگی و بی‌میلی زنگ نقاشی را به کشیدن چند خط افقی و عمودی و سربه‌سر گذاشتن دوستان خود می‌گذرانند، در زنگ سفال‌گری چنان با علاقه به آن می‌پردازند که شما را متعجب خواهند ساخت. آن‌ها رنگ‌آمیزی اشیای سفالی که ساخته‌اند، دوست دارند و از ایجاد طرح و نقش‌های رنگین روی آن‌ها لذت می‌برند. دانش‌آموزانی که کاردستی سفالی خود را به شکل حیوانات یا اشیای مورد علاقه‌ی خویش می‌سازند در چند جمله داستانی درباره‌ی آن می‌گویند که این نیز همراه با نوآوری، خیال‌پردازی و پرواز اندیشه است و حتی تقویت مهارت‌های زبانی را دربردارد.

بهتر است در برنامه‌ریزی سالیانه، فعالیت‌های سفال‌گری زمانی اجرا شود که هوا خوب باشد، تا با رفتن به حیاط مدرسه و پهن کردن چند ورق کاغذ باطله، درگیر کثیف و خیس و رنگی شدن کلاس و میز و نیمکت‌ها نباشیم. آنگاه دانش‌آموزان با خاطری آسوده به پرورش



توانایی‌ها و به نمایش درآوردن ذهنیات خویش می‌پردازند. هم‌چنین بروز خلاقیت و ابتکار در این هنر در درجه بالایی قرار دارد. گاهی شما در بین شکل‌ها و مجسمه‌های دست‌ساز دانش‌آموزان چیزهایی هنرمندانه، جدید، جذاب و زیبا خواهید دید که نوعی استعدادی نهفته را به رخ بیننده می‌کشد.

شاید جالب باشد بدانیم قدیمی‌ترین چرخ سفال‌گری و کوره‌ی پخت سفال در جهان در تپه «سیلک» کاشان یافت شده است. هم‌چنین قدیمی‌ترین ظروف سفالی منقوش، مربوط به ایران است.

ولوله‌ی یاددهی - یادگیری

تأملی در آموزش کودکان استثنایی با بیان تجربه‌های زیسته‌ی بومی

محبت‌الله همتی

کارشناس آموزشی و سردبیر سابق رشد آموزش ابتدایی
سپس با شادی زائدالوصفی مداد را برمی‌داشتند و جمله‌ها را می‌نوشتند، دیدنی بود. کلاس پر از سکوت بود، ولی هیاهو و ولوله‌ی یاددهی - یادگیری سراسر کلاس را پر کرده بود. «زندگی» در کلاس جاری بود. چند ماهی گذشت. در آخرین سالی که سردبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی بودم، وقتی به فهرست معلمان برگزیده‌ی کشوری (مسابقات معلم پژوهنده) برخوردیم، به نام دو نفر از معلمان پژوهنده رسیدیم که در مدارس استثنایی شهر همدان تدریس می‌کردند. پس از مشورت با همکاران بنا شد به همراه **محمد حسین دیزجی** (روزنامه‌نگار) و مرحوم **مهدی محسنی آهوپی** (عکاس مجلات رشد)، به همدان برویم و با این دو معلم بزرگوار گفت‌وگو کنیم؛ آخرین سفری که با مرحوم محسنی آهوپی داشتیم.

این دو معلم از شروع سال تحصیلی در اداره‌ی آموزش و پرورش کودکان استثنایی همدان مشغول به خدمت شده بودند. هنگام مصاحبه وقتی که شنیدیم یکی از آن‌ها گفت: «دل‌م برای مدرسه و کلاس تنگ شده است.» پرسیدم: «مگر کلاس کودکان استثنایی چه جاذبه‌ای دارد که شما احساس دل‌تنگی می‌کنید؟» او جوابم را داد. جوابی که بعد از گذشت سال‌ها مثل نقش بر سنگ در ذهن و دلم جاخوش کرده است و وجودم را سیراب می‌کند. گفت: «کودکان استثنایی موقعیت‌های چالش برانگیزی برایم ایجاد می‌کنند.»

با خودم گفتم: «بی‌دلیل نیست که به عنوان معلم پژوهنده انتخاب شده‌ای؛ احسنت!»

چند سال بعد

در «اداره‌ی کل چاپ و توزیع»، وظیفه‌ای به عهده‌ام گذاشته بودند. روزی برحسب اتفاق، از نزدیک آقای دکتر **قدمی**، رییس وقت سازمان کودکان استثنایی را در طبقه‌ی هفتم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دیدم. او را دورادور می‌شناختم. خانم **لطفی**، کارشناس مسئول

سال‌ها پیش، یکی از روزهای آبان ماه، به همراه دوستان و همکاران دفتر انتشارات کمک آموزشی بازدیدی از «مجمع آموزشی باغچه‌بان شماره‌ی پنج (شهید محبی)» داشتیم. طبق معمول پس از قرار گرفتن در فضای مدرسه، از یکی از کلاس‌های دوم دبستان سردر آوردیم. گفتند که این کلاس دیکته دارد، کلاس دوم دبستان که دانش‌آموزانش ناشنوا هستند. برایم جالب بود که زنگ دیکته‌ی کودکان ناشنوا را از نزدیک ببینم. ۱۰ دختر دانش‌آموز، هر کدام روی نیمکتی نشسته، در حال نوشتن دیکته بودند. نیمکت‌ها را در طول کلاس پشت سرهم چیده شده بودند. معلم، با وقار و آرام در نقطه‌ی ثابتی ایستاده بود و متن دیکته را لب‌خوانی می‌کرد. وقتی معلم متن دیکته را می‌خواند، همه‌ی بچه‌ها مدادهایشان را روی میز می‌گذاشتند و با دقت به لب‌های معلم چشم می‌دوختند. وقتی معلم جمله را تمام می‌کرد، بچه‌ها مداد را برمی‌داشتند و متن دیکته را می‌نوشتند. من در گوشه‌ای از کلاس، محو تماشای معلم و عکس‌العمل بچه‌ها بودم. معلم با تمام وجود متن دیکته را بی‌صدا و فقط یک بار می‌خواند. صبر می‌کرد تا تمام بچه‌ها جمله‌ها را بنویسند و سپس جمله‌ی بعدی را لب‌خوانی می‌کرد.

هر وقت خاطرات سال‌های گذشته را مرور می‌کنم، به این‌جا که می‌رسم، بغض گلویم را می‌فشارد و چشمانم را نم اشک پر می‌کند (مثل زمانی که این یادداشت را می‌نویسم). در آن لحظات که در کلاس بودم، با تمام وجود حس کردم که «صبر» اصلی‌ترین ویژگی معلمی است. تمام حرکات، نگاه‌های این معلم و حسی که در کارش داشت، به همراه آرامش عجیب و خارق‌العاده‌ای که از بچه‌ها به من منتقل می‌شد، از واژه‌ی صبر معنای عمیقی را در جانم می‌نشانند. حتماً این شعر **حافظ** را خوانده یا شنیده‌اید که می‌گوید:

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر

آری شود و لیک به خون جگر شود

برق نگاه بچه‌ها، لحظه‌ای که چشم به دهان معلم می‌دوختند و



«سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی»، ایشان را به من معرفی کرد.

بلافاصله خودم را معرفی کردم و گفتم: «آقای دکتر، من به عنوان یک شهروند و ولی دو دانش آموز استثنایی، می خواهم روی تان را ببوسم.» و همین کار را کردم و گفتم همکاران شما در مدارس زحمتهای زیادی می کشند و من هم به رسم قدردانی از زحمات آن ها این کار را کردم. دقایقی بعد به دفتر مدیر کل احضار شدم. بنا بود کتابهای درسی «پیش حرفه ای» دانش آموزان سال اول راهنمایی را که از نو تألیف شده بودند، آماده کنیم. مسئولیت این کار برعهدهی من گذاشته شده بود و برای این کار انگیزه ی کافی داشتم. من که می دیدم چگونه

کودکانه از رایانه استفاده می کنند و همواره خودم پیشنهادهایی را مبنی بر استفاده از رایانه در فعالیتهای کلاسی ارائه می کردم، با بررسی کتابهای تازه تألیف شده، جای خالی IT را در طراحی فعالیتهای یاددهی - یادگیری احساس می کردم. می شد محتوای این کتابها را به نحوی سازمان دهی کرد و از مهارت ها برپایه ی اطلاعات و ارتباطات، به صورتی درهم تنیده در محتوا بهره گرفت و طرحی نو در انداخت.

چند روز قبل از نگارش این یادداشت

بچه های من که «C.P.» هستند، در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ پایه ی پنجم را به اتمام رساندند و باید وارد دوره ی پیش حرفه ای شوند. حالا ما مانده ایم که در کدام مدرسه آن ها را ثبت نام کنیم. مدرسه ای در فاصله ی ۱۵ کیلومتری و مدرسه ی دیگری در فاصله ی ۲۵ کیلومتری، نزدیک ترین مدرسه ها به محل سکونت ما هستند. یکی را باید انتخاب کنیم

مدرسه ای که از منزل ما دورتر است، یک مدرسه ی وقفی است. زمینش را یکی اهدا کرده و هزینه ی ساختش را کسی دیگری پرداخته است؛ آن هم برای کودکان استثنایی. - روحشان شاد! - ساختمان توسط «سازمان توسعه، نوسازی و تجهیز مدارس» ساخته شده است.

ما والدین بچه های C.P، وقتی به ساختمان جدیدی وارد می شویم، اولین سؤالمان این است که: «امکان رفت و آمد با صندلی چرخدار فراهم هست یا نه؟» با بررسی بیشتر دیدیم که از سطح شیبدار برای بردن ویلچر خبری نیست. فضولی کردیم. از آسانسور هم خبری نبود. پس از گفت و گو با مدیر محترم مدرسه که دل سوزانه و با حوصله به سؤالهای ما جواب می داد، پرسیدیم: «بچه هایی که ویلچری هستند، چگونه باید وارد ساختمان آموزشی و کلاسها بشوند؟»

گفتند که بالابری را درست کرده ایم که بچه ها را وارد طبقه ی اول ساختمان (ساختمان مدرسه طبقه هم کف نداشت) می کند. او تلاش خودش را کرده بود. سازندگان مدرسه خودشان را در موقعیت کودکان استثنایی قرار نداده بودند

تا موقعیتهای آنان را درک کنند و مدرسه را براساس نیازهای آنان طراحی کنند و بسازند. حال ما مانده ایم در رفتن یا نرفتن بچه هایمان به مدرسه هایی که یکی ۱۵ کیلومتری و دیگری ۲۵ کیلومتر با ما فاصله دارد.

و من در حیرتم...

و من در حیرتم از تلاش وافر معلمان دل سوز و صبور، و تلاش کارشناسان و مسئولان آموزش و پرورش کودکان استثنایی که به سرانجامی مطلوب نمی رسند و شرایط به گونه ای پیش می رود که کودکان من، احتمالاً قید رفتن به مدرسه را بزنند و من در این تفکر که یک مدرسه ی دو نفره تأسیس کنم و...

کاش همه ی ما همانند همان معلم دل سوزی بودیم که از موقعیتهای چالش برانگیزی که کودکان استثنایی برایمان فراهم می آوردند، در مسیر حل مسائل آموزش و پرورش استثنایی کشورمان بهره می گرفتیم!



پی نوشت
۱. CP یا Cerebral Palsy (فلج مغزی)، یک اختلال مغزی غیر پیشرونده است که به طور عمده به صورت ناهنجاری در حرکات، معلولیتها و برخی نقایص دیگر ظاهر می شود. اگرچه این معلولیت ویژه ی سراسر عمر و زندگی است و به تعبیر دیگر غیر قابل علاج، اما غیر قابل تغییر نیست. کما این که الگوهای حرکتی ممکن است در حین رشد یا بلوغ و یا با مداخلات درمانی تغییر یابند.

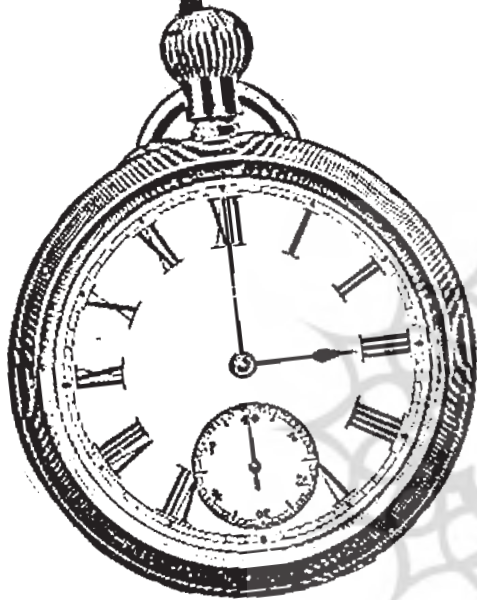


استفاده از فرصت‌ها

ده نکته‌ی ساده درباره‌ی چگونگی بهره‌برداری انسان‌ها
از فرصت‌های در دسترس

به انتخاب فرح بانو قائمی

آموزگار ناحیه‌ی ۲ ساری



✓ انسان‌های بزرگ دو دل دارند. دلی که درد می‌کشد و پنهان است، دلی که می‌خندد و آشکار است.

✓ هیچ‌وقت نگو وقت نداری. به تو همان مقدار زمان داده شده است که به علامه طباطبایی، جلال‌الدین همایی، بوعلی سینا، هلن کلر، لئوناردو داوینچی و آلبرت اینشتین.

✓ دنیا آن قدر وسیع است که برای همه‌ی مخلوقات جا هست. پس به جای آن که جای کسی را بگیریم، تلاش کنیم جای واقعی خود را بیابیم.

✓ ذهن انسان احمق مانند مردمک چشم است. هر چقدر بیشتر نور بتابانی، تنگ‌تر می‌شود!

✓ اگر انسان‌ها بدانند فرصت با هم بودنشان چقدر محدود است، محبتشان نسبت به یکدیگر نامحدود می‌شود.

✓ یکی از شاگردان سقراط از او پرسید: «از چه رو هرگزت اندوهگین ندیده‌ام؟» گفت: «از آن‌رو که چیزی را مالک نیستم که عدمش اندوهگینم‌سازد.»

✓ راه دوست داشتن هر چیز درک این واقعیت است که امکان دارد از دست برود.

✓ زندگی هدیه‌ی خداست به تو، طرز زندگی کردن تو هدیه‌ی توست به خدا.

✓ انسانی که در نبرد زندگی می‌خندد، قابل ستایش است.

✓ دنیا دو روز است. آن روز که با تو نیست، صبور باش و آن روز که با توست مغرور نباش، زیرا هر دو پایان‌پذیر است.

